

## شرح رساله الحقوق امام سجاد (ع)

گفتیم ابتدا باید معنای حق را بدانیم؛ حق را در اصطلاحات مختلف معنا کردیم و نهایتاً گفتیم آنچه که می تواند در اینجا مورد نظر باشد، حق حقوقی و حق اخلاقی است؛ یعنی حق در دایره علم حقوق و حق در دایره علم اخلاق. از بین اصطلاحات حق، این دو حق و البته بیشتر حق اخلاقی مورد نظر است.

### گستره حق در اسلام

ولی حق در اسلام و براساس آموزه های دینی و معارف اهل بیت(ع)، یک معنایی اعم از حق اخلاقی و حق حقوقی دارد. در واقع باید اینطور بگوییم که این حق، هم آن معنایی که در حق اخلاقی گفتیم در برمی گیرد و هم حق به معنایی که در دایره علم حقوق مورد نظر است شامل می شود و هم یک مواردی غیر از این دو را شامل می شود. چون ما از جمله حقوق، یک حقی به نام حق الله داریم. حق الله بعضاً در دایره حق اخلاقی و حق حقوقی قرار نمی گیرد. یک حقوق واجبه ای است که نه حق اخلاقی و نه حق حقوقی شامل آن می شود. در بسیاری از حقوق، به این حق توجه و اعتنا نمی شود. این محصل معنای حق در این مقام است.

### تلازم حق و تکلیف

این حق گاهی ملازم با تکلیف است؛ یعنی وقتی سخن از حق به میان می آید، چون یک رابطه دو طرفه وجود دارد و همیشه یک من له الحق و من علیه الحق مطرح است، لذا از یک طرف حق مطرح است و از طرف دیگر تکلیف. در دایره حقوق، مسأله تکلیف با حق گره می خورد. در دایره حقوق اخلاقی، بعضاً ممکن است این تکلیف ضمیمه شود و این یک نقطه امتیاز حقوق اسلامی از سایر حقوق است که در کنار حق، مسأله تکلیف نیز مطرح است. نمی خواهیم به طور عمیق وارد این بحث ها شوم که در چه مواردی این حق ملازم با تکلیف است و در چه مواردی ملازم با تکلیف نیست. ولی اجمالاً این را بدانید که گاهی حق ملازم با تکلیف است یعنی فرضاً اگر خداوند به گردن انسان حقی دارد، در مقابل انسان نسبت به خدا یک تکلیفی دارد. اگر پدر بر فرزند یک حقی دارد، از این طرف یک تکلیفی به عهده فرزند است. البته گاهی از اوقات هم این چنین نیست؛ یعنی حق وجود دارد ولی هیچ ملازمه ای با تکلیف ندارد.

توجه به این نکته لازم است که اگر حق واجب باشد، تکلیف هم لازم است. اگر حق رجحان داشته باشد، تکلیف هم استحباب پیدا می کند؛ یعنی حکم آن مستحب می شود. مثلاً ذی رحم یک حقی به گردن انسان دارد؛ صله رحم در مقابل حقی که ذی رحم دارد، به عنوان یک تکلیف بر انسان ثابت شده است. پس یک وقت این تکلیف، تکلیف الزامی است؛ یک وقت تکلیف، تکلیف راجح و مستحب است.

پس دو نکته در حقوق اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد و به آن عنایت شود؛ چون در سایر حقوق و نظریه های حقوقی، این دو نکته یا اساساً مورد توجه نیست یا کم رنگ است و در بسیاری از موارد مغفول مانده است.:

۱. اینکه چیزی به نام حق الله داریم. در بین حقوق، حق الله یک حقی است که نمی توان از آن غافل شد.
۲. نکته دیگری که در حقوق اسلامی مورد توجه است، ارتباط حق با تکلیف و ملازمه ای است که در بسیاری از عرصه ها، حق با تکلیف دارد. در همه نظریه های حقوقی، شاید این جهت مورد غفلت است که به حق توجه شده اما مسأله تکلیف از این زاویه که ما می گوییم، خیلی مورد توجه نیست.

## منشأ حقوق

مسأله مهمی که این جلسه می خواستیم درباره آن بحث کنیم، منشأ حقوق است. یعنی این حقوق با گستردگی که دارند، از کجا ناشی شده است؟ در تمام دنیا و در تمام جوامع و مکاتب حقوقی و در مکتب حقوقی اسلام، این پرسش مطرح است که منشأ و خاستگاه حق چیست؟ چرا پدر یک حقی بر فرزند دارد؟ این حق از کجا ناشی شده است؟ چرا زن بر شوهر یک حقی دارد؟ منشأ حق همسایه بر همسایه چیست؟ منشأ حق معلم و استاد بر شاگرد و بالعکس چیست؟ این یک سؤال اساسی و مهم در همه مکاتب حقوقی است و مکاتب گوناگونی سعی کرده اند که به این سؤال پاسخ دهند. این خیلی مهم است که منشأ این حق کجاست؟

من اجمالاً به سه نظریه اصلی درباره منشأ حق اشاره می کنم؛ چون شناخت منشأ حق در گستردگی آن و صاحبان حقوق تأثیر دارد، در اهتمام به حقوق تأثیر دارد و یک روند و رویه دیگری را در مورد حقوق و مراعات حقوق برای انسان ایجاد می کند. پس این سه نظر و سه رأی را در باب منشأ حقوق إن شاء الله ذکر می کنیم و وارد حقوق می شویم. اینها بحث های مقدماتی است که به سرعت از اینها عبور می کنیم.

«الحمد لله رب العالمین»